

پیام اداری هفته



جمعه

سه شنبه

شنبه

(۸۳/۳/۱)

← (۸۳/۲/۲۶)

(شماره ۲۶)

✓ **آنگاه کشاورزی خطاب به پیامبر گفت: با ما از کار سخن بگو. و او پاسخ داد، بدین گفتار که:**

- کار، تجلی شوق است به اهلیت با زندگی. تلاشی سخت که همگام زمین باشید و هماهنگ خاک. آنکه عمر به عبث می دهد، در گذر همه فصلها غریبه می شود.
- بدان هنگام که کار کنید، طبیعت شگفت نی لیبکی را مانند که زمزمه ساعتها و لحظات را از درون قلب خویش گذر دهد و به آوای دل انگیز موسیقی بدل کند. از میان شما کدامیک آن نی تواند بود که سکوت اختیار کند، آن زمان که دیگران به اتفاق. **در کار هماوازیند و همسازی؟**
- پیوسته گفته اید که کار و تلاش عذاب است، و امرار معاش سیه روزگاری. من اما بر آنم که **تکاپوی شما تحقق دورترین رویای خاک است** که بر دوستان نهاده اند و تلاش مدام شما خود اثبات عشقی راستین به زندگی است.
- و نیز با شما گفته اند که زندگی، تاریکی است و سیاهی، و شما در کشاکش بیزاری و کسالت خویش، پیام دلمردگان تکرار کرده اید. و من می گویم که زندگی به راستی تداوم سیاه تاریکی است، مگر شوقی باشد. و شوق، انگیزه ای کور است مگر دانشی فراهم آید. و دانش، به تمامی بیهودگی است مگر به نام عشق، مگر عشق در میانه باشد. و باری آن زمان که با عشق، دل به کار نهید، خود را در پناه خویش گیرید و به خویشتن پیوند دهید و به دیگران و با خداوند.
- و کار با عشق چه باشد؟ چنانکه بافتن جامه ای به تار برآمده از دل و پود برکشیده از جان. گویی برای قامت دلدار. یا که بنیاد خانه ای همه از ناک دلی و شور، تا که ماوای معشوق شود.**
- و دلپذیری افشاندن بذر است به اشتیاق و به امید؛ و شوق خوشه چیدن و خرمن، بدان خیال که حاصل به کام یار می رود آخر.
- کار، تجسم عشق است. لیکن شما را اگر توان آن نباشد که کار خود به عشق در آمیزید و پیوسته بار وظیفه ای را بی رغبت به دوش می کشید، ز نهار دست از کار بشوید و بر آستان معبدی نشینید و از آنان که به شادی، تلاش کنند صدقه بستانید. زیرا آنکه بی میل، خمیری در تنور نهد، نان تلخی و استاند که انسان گرسنه را تنها نیمه سیر کند؛ و آنکه حتی به زیبایی آواز فرشتگان نغمه ساز کند، **چونکه با ترنم خود عشق نوزد، باری تنها گوش آدمی بر صدای روز و نجوای شب دربندد.**

واحد آموزشی مداوم و غیر ضروری

کمیسیون تحول اداری دانشکده علوم پزشکی قم

(کمیتا)

دبیرخانه طرح تکثیرم ازباب (۲۰۰۷)

مطبع: کتاب پیامبر (The prophet) صفحات ۳۹ الی ۴۳

✳️ اثر: جبران خلیل جبران. ترجمه دکتر مهدی مقصودی

✳️ انتشارات: نشر برکه